



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۹/۱۹

نویسنده: لیاقت علی خان

مترجم: سید حسام مل

موانع جاه طلبی ابر قدرتی هند

منبع و تاریخ نشر: کونتر پانچ مؤرخ ۲۰۲۵/۰۹/۱۸

یک اقتصاد قوی برای تبدیل شدن به یک ابر قدرت ضروری است، یک فرمول تاریخی اثبات شده. پیش بینی می شود هند تا سال ۲۰۵۰ با پشت سر گذاشتن ایالات متحده، دومین اقتصاد بزرگ جهان باشد. با این حال، موانع همچنان پابرجا هستند. هیچ منطقه یا کشوری به طور فعال از تلاش های هند برای پیشی گرفتن از ایالات متحده به عنوان یک قدرت جهانی حمایت نمی کند. حتی چین یک هژمون دور را به یک هژمون نزدیک ترجیح می دهد. پاکستان و حتی برخی از کشورهای غربی با تبدیل شدن هند به یک ابر قدرت مخالفند، اقدامی که به هند یک کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد می دهد، که هند به حق آن را مطالبه می کند و شایسته آن است، شاید جایگزین بریتانیا یا فرانسه شود.

این تفسیر استدلال می کند که ایالات متحده و همسایگان هند ممکن است به طور فعال مانع ظهور هند به عنوان یک ابر قدرت شوند. رقبا گزینه های متعددی دارند، از جمله اعمال تعرفه ها و موانع تجاری، کاهش صادرات کالاها و خدمات هند، خودداری از صادرات ضروری به هند و محدود کردن وجوه ارسالی کارگران هندی. فرض کنید هند با وجود موانع به پیشرفت خود ادامه دهد. در آن صورت، برخی از رقبا حتی ممکن است جنبش های جدایی طلبانه را در خلستان، کشمیر و ایالت های شمال شرقی (آسام، ناگالند و دیگران) که پیوندهای جغرافیایی، قومی و فرهنگی ضعیفی با سرزمین اصلی دارند، تشویق کنند. این تحلیل به معنای توطئه جهانی یا تبا نی فعال علیه هند نیست. در عوض، حرکات استراتژیک احتمالی در فضای مورد مناقشه را برجسته می کند که رقبا و رقبای هند آن را تشخیص می دهند اما آشکارا ابراز نمی کنند، که مؤثرترین شکل همدستی است. اگرچه این مقایسه تا حدودی غیرواقعی است، همانطور که سقوط اتحاد جماهیر شوروی نفوذ جهانی و وزن اقتصادی روسیه را کاهش داد، استراتژی هایی که اقتصاد و انسجام سرزمینی هند را هدف قرار می دهند، خطرات مشابهی را به همراه دارند. این مقاله به این موضوع نمی پردازد که آیا هند در غلبه بر مقاومت برای تبدیل شدن به دومین اقتصاد بزرگ جهانی موفق خواهد شد یا خیر. دیدگاه های غربی استدلال های ژئوپلیتیکی که در یک دوره معتبر هستند، ممکن است در دوره دیگر صادق نباشند. سه دلیل را در نظر بگیرید که چرا دیدگاه های غربی در مورد ظهور هند به عنوان یک ابر قدرت اقتصادی دیگر پشتیبانی نمی شوند. از دست دادن حمایت فعال متحدان غربی، یک شکست قابل توجه برای هند خواهد بود.

اول، تجارت آزاد با فشار فزاینده ای روبرو است. در تئوری، کشورها بدون تعرفه یا سهمیه خرید و فروش می کنند. سازمان تجارت جهانی (WTO) بر اصولی استوار است که تجارت آزاد را ترویج می دهد. با این حال، هند و سایر کشورها اغلب به دنبال صادرات بیشتر از واردات خود برای محافظت از صنایع داخلی هستند. این حمایت گرایی، که با آرمان های WTO در تضاد است، در غرب نیز در حال گسترش است و می تواند آسیب قابل توجهی به هند وارد کند.

دوم، سیاست گذاران غربی زمانی با اشاره به اعتبار دموکراتیک هند از امتیازات تجاری آن حمایت می کردند. این منطق در حال از دست دادن اهمیت است. در چشم انداز رقابتی امروز، دموکراسی به کشوری حق امتیاز نمی دهد که اقتصاد ایالات متحده یا اروپا را تضعیف کند، همانطور که استبداد دیگر شرکای تجاری را در صورت همسو بودن منافع متقابل، رد صلاحیت نمی کند. شکل حکومت دیگر تعیین کننده نیست؛ آنچه مهم است مزیت اقتصادی است. سوم، برای دهه ها، استراتژی غرب بر تقویت هند به عنوان وزنه تعادلی برای مهار چین استوار بود. این سیاست

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولی

در دست بررسی است. خود هند تمایل یا ظرفیت کمی برای به دوش کشیدن این بار نشان می‌دهد. حمایت از هند خطر ایجاد رقابتی را به همراه دارد که ممکن است از ایالات متحده پیشی بگیرد. اگر چین و هند هر دو به جایگاه دو اقتصاد برتر جهان برسند، ایالات متحده به رتبه سوم سقوط خواهد کرد و اروپای غربی حتی عقب‌تر خواهد افتاد. در آن زمان، مرکز ثقل اقتصادی جهان به طور قاطع به سمت شرق تغییر خواهد کرد. مقاومت در برابر پیشی گرفتن هند از ایالات متحده از نظر استراتژیک بسیار منطقی‌تر از چسبیدن به این توهم است که هند می‌تواند چین، یک ابرقدرت اقتصادی غیرقابل توقف، را مهار کند. با این حال، این شفافیت هنوز از شک و تردید فراتر نرفته است.

هند تا سال ۲۰۵۰

این ایده که هند تا سال ۲۰۵۰ در سهم خود از تولید ناخالص داخلی جهانی (GDP) از ایالات متحده پیشی خواهد گرفت، توجه زیادی را در پیش‌بینی‌های اقتصادی بلندمدت به خود جلب کرده است. تولید ناخالص داخلی، ارزش پولی کل کالاها و خدماتی است که در یک کشور به مدت یک سال تولید می‌شود. تولید ناخالص داخلی جهانی، مجموع تولید ناخالص داخلی همه کشورها است. در سال ۲۰۲۵، ایالات متحده حدود ۲۵٪ از تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهد، در حالی که هند تقریباً ۴٪ را تشکیل می‌دهد. چین نزدیک به ۱۸٪ است. در حال حاضر، هند بسیار عقب‌تر از چین و ایالات متحده است.

احتمال پیشی گرفتن هند از ایالات متحده بر اساس پیش‌بینی‌های مؤسسات معتبری مانند PWC و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) محاسبه می‌شود. تحلیلگران بر تفاوت بین تولید ناخالص داخلی اسمی، که بر اساس دالر آمریکا اندازه‌گیری می‌شود، و برابری قدرت خرید (PPP) تأکید می‌کنند، که با توجه به تفاوت‌های هزینه زندگی تعدیل می‌شود و اغلب معیار دقیق‌تری از قدرت اقتصادی در بازارهای نوظهور ارائه می‌دهد. بر اساس برابری قدرت خرید، هند شانس واقع‌بینانه‌ای دارد که تا سال ۲۰۵۰ از ایالات متحده پیشی بگیرد و به دومین اقتصاد بزرگ جهان پس از چین تبدیل شود، که حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد تخمین زده می‌شود.

این پیش‌بینی‌ها نرخ رشد سالانه ۵ تا ۶ فیصد را در نظر گرفته‌اند که توسط جمعیت زیاد در سن کار هند، گسترش زیرساخت‌های دیجیتال و اصلاحات مداوم پشتیبانی می‌شود. اگر نرخ رشد ثابت بماند، اقتصاد هند می‌تواند تا اواسط قرن به ۱۵ تا ۲۵ تریلیون دلار برسد. در همین حال، رشد کندتر ۱ تا ۲ درصد سالانه ایالات متحده ممکن است به هند اجازه دهد تا این شکاف را سریع‌تر پر کند. با این وجود، این سناریوها به شدت به توانایی هند در حفظ اصلاحات و پرداختن به چالش‌های ساختاری بستگی دارد.

تجارت نفت هند

پنج صادرات برتر هند شامل نفت تصفیه شده (۵۵ تا ۷۹ میلیارد دالر)، داروهای ژنریک (۲۱ میلیارد دالر)، الماس (۲۰ میلیارد دالر)، تلفن (۱۹ میلیارد دالر) و جواهرات (۱۲ میلیارد دالر) است. هند با ۱۵۱ کشور در سراسر جهان، از جمله ایالات متحده، مازاد تجاری دارد که نشان می‌دهد با موفقیت بازارهای خارجی را برای فروش محصولات بیشتر از واردات خود توسعه داده و در نتیجه مازاد تجاری دارد. هند با روسیه، امارات متحده عربی، عربستان سعودی و قطر، که همگی تولیدکنندگان اصلی نفت هستند، کسری تجاری دارد. از آنجا که تولید نفت خام داخلی کافی نیست، هند برای تأمین تقاضای انرژی داخلی خود واردات زیادی انجام می‌دهد. با این حال، هند این ضعف را به صادرات اصلی خود تبدیل کرده است. این کشور نفت خام می‌خرد، آن را به بنزین، گازوئیل و سوخت جت تصفیه می‌کند و سپس آنها را صادر می‌کند و بزرگترین سهم مازاد تجاری خود را تشکیل می‌دهد. هند اکنون برخی از بزرگترین پالایشگاه‌های نفت جهان را اداره می‌کند.

ایالات متحده به طور فزاینده‌ای از تجارت نفت تصفیه شده هند که از نفت خام روسیه به دست می‌آید، انتقاد کرده و آن را به عنوان حمایت غیرمستقیم از اقتصاد روسیه در بحبوحه درگیری اوکراین معرفی کرده است. این بررسی با اقدامات هدفمند، مانند تعرفه‌های ایالات متحده بر صادرات نفت تصفیه شده هند و تهدید به تحریم علیه پالایشگاه‌های بزرگی مانند صنایع ریلینس که طبق گزارش‌ها در سال ۲۰۲۴ ۵ میلیارد دالر از واردات نفت روسیه درآمد داشته است، تشدید شده است. اقدامات ایالات متحده با هدف مهار مازاد تجارت نفت هند، که بزرگترین منبع درآمد صادراتی آن است، انجام می‌شود و در نتیجه چالشی استراتژیک برای پیشرفت اقتصادی هند ایجاد می‌کند. ایالات متحده با تضعیف بزرگترین بخش صادرات هند، به دنبال کند کردن مسیر این کشور به سمت تبدیل شدن به دومین اقتصاد بزرگ جهان است.

تغییر رویکرد ایالات متحده :

در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ (2025-2029)، چرخش شدید رئیس‌جمهور ترامپ به سمت موضع تقابلی با هند، بسیاری از ناظران را شگفت زده کرده است، زیرا دولت‌های قبلی روابط نزدیک‌تری برقرار کرده بودند. با

این حال، این تغییر در چارچوب رقابت اقتصادی قابل درکتر می‌شود. هند آشکارا آرزوی پیشی گرفتن از ایالات متحده در رتبه‌بندی تولید ناخالص داخلی جهانی را دارد و واشنگتن هیچ مزیتی در تسهیل این نتیجه نمی‌بیند. اگر هند به داشتن مازاد تجاری رو به رشد با ایالات متحده ادامه دهد، اقتصاد آمریکا سود کمی می‌برد و در عین حال خطر سقوط نسبی خود را به جان می‌خورد.

مازاد تجاری کالاهای هند با ایالات متحده در سال ۲۰۲۴ به بیش از ۴۵ میلیارد دلار رسید که افزایشی ۵.۹ درصدی (۲.۶ میلیارد دلار) در مقایسه با سال ۲۰۲۳ را نشان می‌دهد. ایالات متحده مازاد تجاری کمی معادل ۱۰۰ میلیون دلار در بخش خدمات دارد. بنابراین، هند با اختلاف زیادی سود خالص می‌برد. ایالات متحده می‌خواهد هند بازارهای خود را برای محصولات زراعتی آمریکا باز کند، اما هند تمایلی ندارد زیرا نمی‌خواهد به زراعت داخلی خود که میلیون‌ها نفر را حمایت می‌کند، آسیب برساند.

بعید است که ایالات متحده به نام تجارت آزاد یا همبستگی دموکراتیک، صادرات خود را به خطر بیندازد و به هند اجازه دهد از دیدگاه‌های نابرابر خود در مورد عمل متقابل تجاری بهره‌مند شود. تعرفه‌های بالا بر کالاهای هندی نه تنها به دلایل تعادل تجاری، بلکه از نظر استراتژیک برای کند کردن پیشرفت هند به جایگاه دوم نیز منطقی است. از شرکت‌های تولیدی ایالات متحده خواسته شده است که از چین به هند نقل مکان کنند، اقدامی که با استراتژی ایالات متحده برای جلوگیری از پیشی گرفتن هند از ایالات متحده در رتبه‌بندی‌های جهانی همسو نیست. علاوه بر این، ایالات متحده علاقه کمی به اجازه دادن به مهاجران هندی برای ارسال مقادیر قابل توجهی پول به هند دارد، که اقتصاد هند را تقویت می‌کند. "هندی‌ها... تقریباً دو سوم ویزاهای موقت H-1B را برای کارگران ماهر که در سال ۲۰۲۳ صادر شده است، دریافت کرده‌اند." ایالات متحده ممکن است این سیاست را برای کاهش حواله‌های هندی معکوس کند. بازگرداندن مهاجران غیرقانونی هندی به هند با هواپیماهای نیروی هوایی ایالات متحده، منعکس کننده دیدگاه‌های رئیس جمهور ترامپ در مورد مهاجرت غیرقانونی است. وقتی در چارچوب کاهش همکاری با هند در نظر گرفته شود، معنای متفاوتی پیدا می‌کند.

شواهد اکنون نشان می‌دهد که ایالات متحده تصمیم گرفته است که با هند به عنوان یک وزنه تعادل در برابر چین رفتار نکند. اگر هند موفق شود از ایالات متحده پیشی بگیرد، ممکن است سیاست خود را تغییر دهد و با چین برای تضعیف نفوذ ایالات متحده در منطقه و جهان همکاری کند. رئیس جمهور ترامپ در نشست چهارجانبه در هند، اتحادی از ایالات متحده، هند، استرالیا و ژاپن، شرکت نخواهد کرد. این چهارجانبه قرار است چین را مهار کند. اما اگر هدف متوقف کردن هند باشد، این چهارجانبه منطقی نیست. تظاهرات گسترده علیه مهاجران هندی در استرالیا نیز نشانه اولیه کاهش ارزش چهارجانبه است. تروورهای تحت حمایت هند در کانادا و ایالات متحده نیز شناسایی و محکوم شده‌اند.

الگویی از حقایق و سیاست‌ها در حال ظهور است که نشان می‌دهد ایالات متحده در تلاش است تا موانع متعددی ایجاد کند تا مانع از تبدیل شدن هند به دومین اقتصاد بزرگ جهان قبل از ایالات متحده شود. تغییر لحن سیاست خارجی ایالات متحده مشهود است. ترامپ پس از یک جنگ کوتاه هند و پاکستان (۷ تا ۱۰ مه، شامل عملیات سیندور توسط هند و حملات تلافی جویانه پاکستان)، رئیس ارتش پاکستان را به ناهار در کاخ سفید دعوت کرد. ترامپ حتی تلویحاً گفت که هند در جریان درگیری نظامی با پاکستان چندین هواپیما را از دست داده است. پاکستان با احساس وخامت روابط ایالات متحده و هند، ترامپ را به خاطر توقف جنگ، نامزد دریافت جایزه صلح نوبل کرد. جلب توجه پاکستان، رقیب اصلی هند، چیزی بیش از یک نمایش یا تاکتیکی برای به دست آوردن مزایای تجاری از هند است. این اقدام به نظر می‌رسد یک مانع استراتژیک در برابر صعود هند باشد. رقابت منطقه‌ای هند، که زمانی به عنوان رهبر طبیعی جنوب آسیا دیده می‌شد، به تدریج نفوذ خود را در برابر چین از دست می‌دهد، که سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و اتحادهای استراتژیک آن در حال تغییر شکل پویایی منطقه‌ای است. ظهور سریع چین به عنوان یک قدرت اقتصادی و نظامی جهانی، گزینه‌های بیشتری را بین هند و چین به کشورهای منطقه داده است. اکنون به نظر می‌رسد چین در ایجاد روابطی که قرار بود تحت کنترل دهلی نو باشد، از هند پیشی گرفته است. کشورهایی مانند پاکستان، بنگلادش، سریلانکا و نپال - همسایگانی که هند مدت‌ها تصور می‌کرد در حوزه نفوذ آن قرار دارند - به طور فزاینده‌ای به سمت پکن متمایل می‌شوند. سیاست سرمایه‌گذاری چین اغلب به تله‌های بدهی منجر می‌شود. با این حال، ملت‌ها آن را برای منافع کوتاه‌مدت می‌پذیرند. در همین حال، روش هند در استفاده از تحریم‌های اقتصادی برای تغییر رفتار سایر کشورها، بی‌احترامی تلقی می‌شود. اختلافات ارضی با پاکستان و چین، تنها تغییر ژئواستراتژیک را تشدید کرده است. درگیری مداوم بر سر کشمیر، اتحاد چین و پاکستان را تقویت می‌کند و یک چالش دو جبهه‌ای برای هند ایجاد می‌کند. حتی کشورهای دورتر، مانند ایران و افغانستان، به حوزه رو به رشد چین کشیده می‌شوند. در هر جنگ آینده با پاکستان، هند به احتمال زیاد با پاکستان و چین روبرو خواهد شد.

در همین حال، فروپاشی دولت طرفدار هند، حسینه واجد، در بنگلادش، فرصت‌های جدیدی را برای چین و پاکستان ایجاد کرده است تا در امتداد جناح شرقی آسیب‌پذیر هند فشار وارد کنند. تحلیلگران هشدار می‌دهند که

چنین تحولاتی، اگر کنترل نشوند، حتی می‌تواند جریان‌های جدایی‌طلبانه را در میان نه ایالت شمال شرقی هند، جایی که وفاداری به مرکز از نظر تاریخی شکننده بوده است، برانگیزد.

نگرانی‌های سازمان همکاری اسلامی در میان دشمنان هند، پاکستان همچنان سرسخت‌ترین و نگران‌کننده‌ترین است، با نفوذی که به دلیل نقش کلیدی‌اش در سازمان همکاری اسلامی (OIC)، گروهی متشکل از پنجاه و هفت کشور با اکثریت مسلمان، فراتر از جنوب آسیا گسترش می‌یابد. در طول درگیری‌های مسلحانه با هند، پاکستان به طور مداوم از برخی از اعضای OIC حمایت اخلاقی، دیپلماتیک و گاهی حتی نظامی دریافت می‌کند، اگرچه اکثر کشورهای عربی بی‌طرف با قی می‌مانند. کشورهای عربی، مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی، به طور فزاینده‌ای عمل‌گرایی اقتصادی را در اولویت قرار داده‌اند و مانع از بیان قوی‌تر ضد هند در مجامع OIC شده‌اند.

با این حال، هند فاقد گروه قابل مقایسه‌ای از کشورها است که بتواند به آن تکیه کند. در عوض، رابطه نزدیک آن با اسرائیل، که رابطه‌ای استراتژیک است، بسیاری از کشورهای مسلمان را که قویاً از آرمان فلسطین حمایت می‌کنند، از خود بیگانه می‌کند. این امر به پاکستان اجازه می‌دهد تا تنها خود را به عنوان رقیب منطقه‌ای هند، بلکه به عنوان یک شریک مذهبی مرتبط در جهان اسلام گسترده‌تر، معرفی کند.

با این حال، سازمان همکاری اسلامی نه تنها یک چالش سیاسی برای هند است؛ بلکه یک عرصه اقتصادی حیاتی نیز هست، اگرچه مانند اتحادیه اروپا به عنوان یک بلوک متحد عمل نمی‌کند. میلیون‌ها کارگر هندی در کشورهای حوزه خلیج فارس سالانه میلیارد‌ها دلار پول ارسال می‌کنند و تجارت با کشورهای مسلمان درآمد قابل توجهی ایجاد می‌کند. هند از مازاد تجاری با چندین اقتصاد عضو سازمان همکاری اسلامی برخوردار است و این بازارها را برای رشد حیاتی می‌کند. کشورهای حوزه خلیج فارس هند را هم به عنوان یک مقصد سرمایه‌گذاری امیدوارکننده و هم به عنوان یک شریک تجاری در نظر می‌گیرند.

روابط اقتصادی هند با کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی به دلیل دو عامل مهم همچنان شکننده است. اول، ظهور سیاست‌ها و سیاست‌های هندوتوا که به عنوان هدف قرار دادن اقلیت مسلمان هند تلقی می‌شوند، مانند قانون اصلاح شهروندی سال ۲۰۱۹ که برخی از گروه‌های مسلمان را مستثنی می‌کند، و لغو خودمختاری جامو و کشمیر، باعث محکومیت در پایتخت‌های با اکثریت مسلمان مانند آنکارا و کوالالامپور شده است. در سال ۲۰۲۰، سازمان همکاری اسلامی قطعنامه‌ای را در انتقاد از سیاست‌های هند در مورد کشمیر صادر کرد که روابط دیپلماتیک را تحت تأثیر قرار داد.

بعد اقتصادی این تنش‌ها را تشدید می‌کند. نزدیک به هشت میلیون کارگر هندی در خلیج فارس سالانه حدود ۵۰ میلیارد دلار به خارج از کشور ارسال می‌کنند و هند ۶۰ میلیارد دلار مازاد تجاری با اقتصادهای سازمان همکاری اسلامی دارد. اگر نارضایتی از کشمیر یا سیاست‌های هندوتوا عمیق‌تر شود، دولت‌های خلیج فارس می‌توانند ترجیحات تجاری یا جریان‌های سرمایه‌گذاری را مورد بازنگری قرار دهند و یکی از حیاتی‌ترین جریان‌های درآمد خارجی هند را تضعیف کنند. بنابراین، اختلافات مذهبی و سیاسی خطر سرایت مستقیم به حوزه اقتصادی را دارند و آسیب‌پذیری را آشکار می‌کنند که می‌تواند پیشرفت جهانی هند را کند کند.

دوم، رقابت مداوم با پاکستان به این معنی است که کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، با وجود روابط مالی قوی خود با هند، نمی‌توانند در طول درگیری‌های مسلحانه اسلام‌آباد را رها کنند. از نظر آنها، پاکستان، با وجود اقتصاد ضعیفش، همچنان یک ملت برادر است که با تاریخ، مذهب و نگرانی‌های امنیتی مشترک به هم پیوسته‌اند. حمایت ایران از پاکستان در درگیری نظامی مه ۲۰۲۵ با هند، که در پوشش میانجیگری صورت گرفت، تحلیل‌گران سیاست خارجی هند را شگفت‌زده کرد. ترکیه و آذربایجان حتی با وجود اینکه این کشورها منافع اقتصادی قابل توجهی در هند دارند، در کنار پاکستان حتی آشکارتر بودند.

هند خود را در یک پارادوکس پیچیده گرفتار می‌بیند. کشورهای مسلمان برای هند به عنوان یک شریک اقتصادی و مرکز سرمایه‌گذاری ارزش‌قائلند. با این حال، هند در منطقه‌ای که همبستگی مذهبی و نارضایتی‌های تاریخی همچنان نیروهای قدرتمندی هستند، مورد بی‌اعتمادی قرار گرفته است. ظهور هند به عنوان یک قدرت جهانی نه تنها به مقابله با نفوذ منطقه‌ای رو به رشد چین، بلکه به مدیریت جریان‌های حساس هویت، مذهب و رقابتی که همچنان جنوب آسیا را شکل می‌دهند، بستگی دارد. یک سیاست خارجی که به شدت به زور علیه همسایگان کوچک‌تر متکی باشد، خطر تضعیف ثبات و حسن نیتی را که هند برای موفقیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی بلندمدت به آن نیاز دارد، به همراه دارد.

نتیجه‌گیری هند به سرعت در حال پیشرفت است تا به دومین اقتصاد بزرگ جهان تا سال ۲۰۵۰ تبدیل شود. به محض رسیدن به این نقطه عطف، هند به دنبال کرسی دائم در شورای امنیت سازمان ملل خواهد بود، جایگاهی که شایسته آن است. ایالات متحده و سایر کشورهای غربی ممکن است در این تغییر، مزیت استراتژیک محدودی ببینند. اگر چین و هند به دو اقتصاد برتر تبدیل شوند، ایالات متحده در معرض خطر از دست دادن سلطه اقتصادی دیرینه

خود قرار می‌گیرد. این امر می‌تواند تغییر قدرت ژئوپلیتیکی به سمت آسیا را تسریع کند و نفوذ غرب را به چالش بکشد. با این حال، رقابت هند با چین ممکن است چنین تغییر جهت را پیچیده کند.

به نظر می‌رسد ایالات متحده، با انگیزه‌های استراتژیک، در حال ایجاد موانعی برای کند کردن ظهور هند به عنوان یک اقتصاد پیشرو است. تعرفه‌ها، انتقاد از صادرات نفت هند، محدودیت‌های ویزای H-1B و روابط نزدیک تر ایالات متحده و پاکستان، نشان‌دهنده بی‌میلی در حمایت از جاه‌طلبی‌های ابرقدرتی هند است. سیاست ایالات متحده که بین چین و هند گیر افتاده است، مبنی بر نگاه به هند به عنوان یک رقیب اقتصادی، همچنان نامشخص است.

رشد سیاست هندوتوا با افزایش تنش‌ها بر سر اقلیت مسلمان هند و سیاست‌های کشمیر، کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی را از خود بیگانه می‌کند و به طور بالقوه به روابط اقتصادی با کشورهای خلیج فارس آسیب می‌رساند. اگرچه بعید است، اما ناآرامی‌های طولانی مدت در پنجاب، کشمیر یا شمال شرقی می‌تواند وحدت هند را تضعیف کند. در بدترین حالت، همانطور که رقبا ممکن است تصور کنند، هند می‌تواند با جدایی‌های مهندسی شده توسط خارجی روبرو شود که نفوذ اقتصادی و سیاسی آن را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. با توجه به این موانع، هند باید سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی خود را بررسی کند.